

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو بر بستر ناکامی جنبش مشروطه‌خواهی

سیدهاشم آقاجری^۱، رزگار برفروخت^۲

(تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴)

چکیده

ادبیات پژوهشی و تاریخی موجود درباره انقلاب مشروطه مشتمل بر حجم عظیمی از منابع تاریخی است که در قالب گفتارهای مختلف تاریخ‌نگاری، جامعه‌شناختی و... تولید گشته‌اند. هر کدام از آثار یادشده کلیت و یا بخشی از کلیت رخداد مشروطه را مورد توجه قرار داده‌اند. بخش مهمی از گام‌های عملی مشروطه‌خواهان در راستای تکوین دولت‌سازی نوین ایران برداشته شد، اما این پروسه در جریان دوره اول مشروطیت در خلال سال‌های ۱۲۸۵-۱۲۹۹ ه.ش با ناکامی روبه‌رو شد. این ناکامی از یک سو به دلیل عدم موفقیت مشروطه‌خواهان در ایجاد مجلس و قوه مجریه مستقل و از سوی دیگر ناتوانی در کنترل منظومه قدرت، یعنی هسته مرکزی سلطنت و نیروهای پیرامونی ایالات و قبایل بود. عدم موفقیت مشروطه‌خواهان در ایجاد دولت مدرن بسترساز بازتولید تحركات منطقه‌ای ایالات و قبایل در این دوره شد. حرکت سمکو در چنین فضایی ظاهر شد. هرچند حرکت سمکو متأثر از فضای فکری حاکم بر مشروطیت و ضد مشروطیت در این دوره نبود، بلکه در سطح رهبری متکی بر آرمان‌های سیاسی- قومی و در سطح عملکردی متکی بر دینامیسم قبیله‌ای بود، اما فضای آنومی سیاسی پس از مشروطه زمینه‌ساز شکل‌گیری قدرت‌مندی حرکت وی در خلال سال‌های پس از مشروطه بود. در این مقاله نگارندگان ارتباط رخداد مشروطه و پی‌آیندهای آن با حرکت

h_aghajari@yahoo.com
Rzgar1359@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس.

سمکو را مورد واریسی قرار داده‌اند. نگارندگان در این مقاله مبنای کار خود را براساس دو فرض معین کرده‌اند. فرض نخست این است که رخداد مشروطه از منظر پروژه دولت-ملت‌سازی ناتمام و ناقص بود. فرض دیگر این است که حرکت سمکو بر بسترهای این انقلاب ناتمام توانست تطور یابد.

کلیدواژگان: رخداد مشروطه، پروسه دولت-ملت‌سازی، سمکو، حرکت قومی-سیاسی.

مقدمه

ایران پسا مشروطه جغرافیایی بحران‌زده از هر لحاظ بود. انقلاب عظیمی که قرار بود نقطه عزیمت ایران به سوی عصری باشکوه باشد و مشروطگی را به بار بنشاند به عصر زایش بحران‌های پیاپی منجر گردید. جغرافیایی که پیش از آن با توسل به سازوکارهای پیشامدرن و بهره‌مندی از سیاست‌های استعماری اعمال شده تا حد زیادی انسجام خود را حفظ کرده بود. اینک با انقلاب مشروطه پای در دورانی از بی‌ثباتی، ازهم گسیختگی و فروپاشی تدریجی گذاشته بود. در چنین وضعی فضا برای شکل‌گیری شکل‌های مختلفی از سیاست‌ورزی فراهم گردید. با فروکش کردن تب و تاب جنبش سراسری مشروطه، جنبش‌ها و حرکت‌های مختلفی در گوشه و کنار کشور سر برآوردند که هر یک ساختار، اهداف و انگیزه‌های مختص به خود داشتند. در این بین با شروع جنگ اول جهانی آشفتگی و پریشانی اوضاع داخلی ایران بیش از پیش شد و این خود زمینه‌ساز گسترده شدن منازعه قدرت در سراسر ایران گردید. در یک سو قانون این منازعه در تهران قرار داشت و نیروهای مرکز‌نشین در تلاش برای به دست گرفتن قدرت، جدال و منازعه سیاسی را شدت بخشیده و حتی رادیکالیزه کردند. در سوی دیگر نیروها و گروه‌های مختلف ایلی، قومی و مذهبی تلاش‌هایی جدی و به نسبت سازمان یافته برای ایجاد و توسعه دایره قدرت و نفوذ خود آغاز نمودند.

حرکت کردهای شمال غرب ایران به رهبری اسماعیل آقا شکاک معروف به سمکو ۱ در میان شمار قابل توجه این حرکت‌ها بیش از دیگر جنبش‌ها و حرکت‌ها در کانون توجه قرار گرفت. سمکو که پس از قتل برادرش توسط حاکم تبریز رهبری ایل شکاک در مناطق ارومیه تا

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاجری و همکار

سلماس را در اختیار گرفته بود طی سال‌های پس از مشروطه بر قدرت و توان خود افزوده و در جریان جنگ جهانی اول نیز به یک نیروی مهم در شمال غرب ایران تبدیل شده بود. سمکو پس از به دست آوردن ریاست ایل خود طی فرآیندی زمانی و در اثر ارتباط با نیروهای خارجی حاضر در عرصه ایران پس از جنگ اول جهانی و همچنین نیروهای مرکزی ایران توانست به مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در وقایع سیاسی آذربایجان غربی بدل گردد. آنچه اهمیت دارد این مهم است که بررسی گردد که فضای آشوب سیاسی پس از جنگ اول جهانی چگونه عرصه برای ورود سمکو به جریانات سیاسی این منطقه آماده کرد و چه کمکی در برجسته‌سازی نامبرده داشته است.

۱. رخدادهای مشروطه؛ ناکامی در ایجاد دولت مدرن

عمده پژوهش‌های ایرانی رخداد مشروطه را به عنوان تلاش آغازین ایجاد دولت-ملت نوین در ایران قلمداد کرده‌اند. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که بیان‌های عملی شکل‌گیری دولت-ملت و به ویژه هویت ملی شاکله اصلی خود را در دوره مشروطه به دست آورد، اما می‌توان اذعان کرد که ایدئولوژی دولت-ملت در دوره مشروطه رسمیت سیاسی یافت. این مسئله به صورت عمده حاصل تلاش نخبگان سیاسی و روشن‌فکران غیررسمی در جریان مشروطیت جهت برساختن مفهومی نوین از ملت ایران و همچنین تلاش در جهت تحول در ساخت قدرت سیاسی در این دوره بود.

عمده نویسندگان رخداد مشروطه را به عنوان یک انقلاب ملی‌گرا و دموکراتیک قلمداد کرده‌اند. برخی از نویسندگان با این رویکرد تحلیلی به نسبت انقلاب مشروطه مخالفت داشته و هدف نهایی این رخداد تاریخی را «اصلاح حکومت و ایجاد یک دولت مقتدر که بتواند بر عقب‌ماندگی ایران فایق آید» به شمار آورده‌اند (ارجمند، ۱۹۸۸: ۳۵). در حقیقت تحدید قدرت سیاسی به عنوان بنیادی‌ترین محور تحول‌خواهی در این دوران مورد تأکید بیشتر شرکت‌کنندگان در این جریان تاریخی بوده است.

بازنگری به زندگی سیاسی در دوره قاجار از منظر گفتمان سیاسی غرب سبب نمودار شدن دولت قاجار به مثابه دولتی خودکامه شد. این بازنگری و مبارزه با این خودکامگی به عنوان اهداف اصلی مشروطه‌خواهان در آمد.^۲ این مسئله که می‌توان از آن به عنوان تحول در نگاه به

ساخت قدرت سیاسی نام برد، نویدگر تحولی بود که مستقیم شکل سنتی از حکومت را هدف قرار داده بود. بر این اساس حکومت مشروطه را می‌توان «نقطه عطف تاریخی» تغییر دیدگاه به انگاره قدرت سیاسی و ارتباط آن به زیردستان در نظر گرفت.

تأکید بر تحدید قدرت سیاسی که به عنوان بنیاد نظری تئوری‌پردازان دولت مشروطه از قرن هیجدهم در اروپا مورد توجه بود (ملائتی توانی، ۱۳۸۱: ۲۲) سبب می‌شد که ایران دوره مشروطه هم‌زمان با تحولات قدرت سیاسی در اروپا قرار گیرد؛ دوره‌ای که مقارن با بازنگری در نهاد سلطنت مطلقه در اروپا بود. اساسی‌ترین تفاوتی که در این بین وجود داشت تفاوتی بود که در دیگر سطح‌ها مشاهده می‌شد. به لحاظ توسعه و تجدد ایران نه در سطح اروپای سده نوزدهم در خوشبینانه‌ترین حالت هم‌زمان با اروپای سده هفدهم قرار داشت؛ بنابراین نحوه دید و برخورد با تغییرات حاصل از مدرنیته در این دو فضا متفاوت بود. در حالی که مدل اروپایی توسعه سیاسی به عنوان تغییری وابسته و نوسازی به عنوان تغییری مستقل فرض شده بود. ما در ایران شاهد مدل غیراروپایی هستیم که در آن نوسازی به عنوان متغیر وابسته و توسعه سیاسی به مثابه متغیر مستقل شمرده شده است (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۲). این تفاوت در دو سطح تاریخی که به تأخر تاریخی و یا ناهم‌زمانی از آن یاد می‌شود (بشیری، ۱۳۸۶: ۶۹۹). نشان از ضعف عمیق مبانی اندیشه مشروطیت و لازمه تحول اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ای داشت که مشروطیت در آن رخ داده بود.

دولت‌سازی نوین در این دوره با به چالش کشاندن موقعیت کانونی سلطنت به عنوان مهم‌ترین عنصر دیسپوتیزی مقارن شد که در انگاره روشنفکران قبل و حین مشروطه برجسته می‌گردید (نک به: آخوندزاده، ۲۰۰۶: ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۵، ۵۷، ۶۵، ۶۷ / آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۴۰-۱۳۶). انبوهی از گفتارها و کردار مشروطه‌طلبان در این دوره کانون‌محوری خود را مبارزه با دیکتاتوری و استبداد قرار داده بودند. اصل سلطنت که در طول تاریخ ایران به عنوان ظل‌الله و نمایندگان خدا بر زمین امکان هرگونه ارتباط مردم و قدرت را غیرممکن کرده بود در اصل سی و پنجم قانون اساسی سلطنت به عنوان ودیعه‌ای که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده در نظر گرفته شد. تفویض مقام سلطنت از جانب مردم تنها عامل تحدیدکننده مقام سلطنت نبود، بلکه اساساً مهم‌ترین امور به دست نمایندگان و وکلای مردم رتفق و فتق می‌شد. براساس اصل دوم قانون اساسی مجلس شورای ملی به عنوان نماینده‌ی

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... سید هاشم آقاجری و همکار

قابطه‌ی اهالی مملکت ایران در امور معاشی و سیاسی وطن در نظر گرفته شد، سپس با تأکید بر حدود وظایف این مجلس در اصل شانزدهم، کلیه قوانینی که برای تشدید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است منوط به تصویب مجلس شورای ملی گردید. بر این اساس مهم‌ترین امورات مملکتی به مجلس شورای ملی به عنوان نماینده همه مردم ایران می‌رسید. تحدید قدرت سلطنت به عنوان اصلی‌ترین شکل تحول در ساخت قدرت سیاسی ایران و انتقال قدرت به نهادهایی چون مجلس و قوه مجریه به معنای تلاش‌های عملی ایجاد دولت‌سازی مدرن بود. این مسئله نه تنها متعرض قدرت سلطنت می‌شد، بلکه هم‌زمان منظومه‌ای از قدرت سیاسی در ایران پیشامدرن را نیز به چالش می‌کشاند. این مسئله هنگامی مشخص می‌گردد که شکل قدرت سیاسی در ایران پیشامدرن و ارتباط آن با قدرت‌های پیرامونی را مورد بازبینی قرار دهیم.

قدرت سیاسی ایران پیشامدرن که با عناوینی چون استبداد مطلقه، حکومت خودکامه (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۰)، فئودالیسم سیاسی (توفیق، ۱۳۸۵: ۱۰۳)، فئودالیسم قبیله‌ای (فوران، جان، ۱۳۷۷: ۱۰۳)، پاتریمونیالیسم سنتی (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۷۴) در گستره تاریخ ایران از آن یاد می‌شود متشکل از منظومه قدرتی بود که بسان اکثر قدرت‌های حاکمه پیشامدرن شاه در مرکز این منظومه قرار داشت. حاشیه‌هایی این منظومه قدرت، مجموعه وسیعی از حکام ولایات و ایالات و روسای ایلات بزرگ، هم‌پیمانان سیاسی آنان و خوانین و روسای محلی را دربرمی‌گرفت (اکبری، ۱۳۸۲: ۸۱-۸۲). در این منظومه قدرت اعمال قدرت در عمل محدود به محدودیت‌های ساختاری، نظامی، اقتصادی و جغرافیایی بود. در واقع فرمی از قدرت سیاسی وجود داشت که چون دیگر نمونه‌های سنتی قدرت سیاسی^۳ به لحاظ گستره نظری وسیع، ولی به لحاظ اثرگذاری محدود و کم عمق بود (اسمیت، ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۶). در واقع از زاویه نگرش نظام‌مند قدرت گسترده و قدرت‌های منطقه‌ای بخشی از یک سیستم چندگانه اعمال قدرت بودند که با توافق‌ها، اجماع‌ها و سازش‌های ارادی و غیرارادی اداره قلمرو را تسهیل می‌کردند و با تعارض‌ها، تضادها و ستیزه‌ها به توسعه یا تحدید دامنه قدرت خود یا دیگری اقدام می‌نمودند. پیامد دیالکتیک سیاست‌ها و کنش‌های مبتنی بر منازعه و سازش حفظ هم‌زمان جایگاه قدرت گسترده و قدرت منطقه‌ای در سیستم چندگانه اعمال قدرت تا دوره مشروطه بود (آقاجری، قربانی‌فر، ۱۳۹۱: ۱۱). این شکل از سلطه به نحوی بود که برخی برای

دولت‌های ایران پیشامدرن اصطلاح دولت‌های غیرمستقیم را به کار برده اند (بک، لویس، لویس بک، ۱۳۷۴: ۵۳۷). واقعیت عینی تاریخ سیاسی ایران با در نظر گرفتن روابط مرکز- پیرامون در طول تاریخ میانه این واقعیت را نمایان می‌کند که تاریخ سیاسی ایران تا قرن بیستم تاریخ منازعه و کشمکش عشایر و قبایل خودمختار و مسلح بوده است (بشیریه، ۱۳۹۲: ۲۸۵). الگوی ساخت قدرت سیاسی در ایران دوره میانه تا برآمدن مشروطه را می‌توان مبتنی بر شکل دادن بر شبکه‌هایی از تابعیت و وابستگی بین مرکز و حاشیه‌ها به حساب آورد.

هرگونه تحول در هسته مرکزی این ساخت قدرت لاجرم قدرت‌های پیرامونی را نیز متحول می‌نمود. اگرچه مشروطه‌خواهان توانستند اختیارات شاه و سلطنت را در محاق قرار دهند، اما به نظر می‌رسد نگاهی واقع‌بینانه به منظومه‌های پیرامونی سلطنت در ایران نداشتند. تأکید آنان بیشتر مبتنی بر ریشه کن کردن قدرت استبداد بود که نمود خود را در سلطنت شاه پیدا می‌کرد. این در حالی بود که ساختار قدرت در ایران پیشامدرن متشکل از مجموعه‌ای از قدرت‌های حاشیه‌ای مانند ایلات، قبایل و عشایر در گوشه و کنارهای ایران را دربرمی‌گرفت. این نگاه غیرواقع‌بینانه به ساخت قدرت سبب شد به محض هویدا شدن طلوعه ضعف مشروطه‌خواهان در بنیاد نهادن به نظم نوین هم‌آوردطلبی قدرت‌های پیرامونی در عرصه سیاسی ایران هویدا شود.

در یک تحلیل کلی دولت‌سازی در دوره مشروطه تا برآمدن رضاشاه را می‌توان مبتنی بر تلاش نخبگان سیاسی ایران جهت محدود کردن نهاد سلطنت و انتقال قدرت سلطنت به مجلس و وکلای مردم محسوب کرد. بررسی حوادث سال‌های کوتاه ۱۲۸۵ - ۱۲۹۹ که از آن به عنوان دوره اول دموکراسی یاد می‌شود.^۴ نشان می‌دهد که این تلاش طریق ناکامی پیمود. مشروطه‌خواهان نه تنها در تثبیت نهادهای برآمده از اندیشه دموکراسی در ایران ناکام بودند،^۵ بلکه در جذب نیروهای منظومه قدرت سیاسی پیرامون سلطنت نیز چندان توانایی نشان ندادند. کنش‌های سیاسی قدرت‌های پیرامونی در خلال سال‌های مشروطیت و به ویژه دوره جنگ اول جهانی در سپهر سیاسی ایران نشان داد که این قدرت‌ها هم‌چنان وزنه‌ای قابل توجه و پراهمیت در عرصه سیاسی ایران است. کنش‌گری سیاسی نیروهای پیرامونی سلطنت هرچند در برخی موارد متمایل به جهت‌گیرهای سیاسی مرکزی بود، اما این وضعیت نه تنها کلیت نیروهای پیرامونی را دربر نمی‌گرفت، بلکه سرشت حرکت‌های سیاسی این نیروها را نیز نشان نمی‌داد.

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... سید هاشم آقاجری و همکار

کنش سیاسی نیروهای پیرامونی قدرت در خلال سال‌های مشروطیت تا دوره رضاشاه را می‌توان در دو طیف تقسیم‌بندی نمود؛ گروهی از کنش‌گران پیرامونی متأثر از رویدادهای پس از مشروطیت با تأثیرپذیری از رخداد‌های مرکز در دو گروه مشروطه‌طلب و ضد مشروطه به آرایش سیاسی خود در وقایع سیاسی این دوره پرداختند.^۶ گروهی دیگر متأثر از وقایع مرکزی ایران نبودند، بلکه شرایط پیش آمده از ناکامی مشروطه‌خواهان در شکل دادن به نظم نهادین دموکراتیک و به وجود آمدن «آنومی سیاسی» (منوچهری، ۱۳۷۶: ۱۱) در عرصه سیاسی ایران موفق به شکل دادن به فرم خاصی از هویت‌خواهی قومی در پیرامون قدرت سیاسی شدند. نمونه بارز این طیف حرکت‌ها شیخ خزعل در خوزستان و سمکو در مناطق کردنشین آذربایجان بود. ادعای هویت‌خواهی سیاسی- قومی در گفتار رهبران آن‌ها این حرکت‌ها را از قدرت‌خواهی پیرامونی پیشامدرن ایران جدا می‌کرد؛ از سوی دیگر دینامیسم حرکتی ایلی آن‌ها را متعلق به دوران سنتی سیاست‌ورزی منطقه‌ای در ایران می‌کرد.

ناتمامی پروسه مشروطیت، بسترساز شکل‌گیری جنبش‌های معارض مرکز

انقلاب مشروطه به شکلی ناخواسته موجب خلق فضای سیاسی و فکری قدرت‌یابی پیرامونی در ایران پسامشروطه شد. فضای سیاسی، گفتمانی و تاریخی با مبانی فکری مشروطه‌خواهان، اهداف انقلاب و آرمان‌های آن در ستیز و تقابل بود. در این بین آنچه که جای تردید و گمان نبود بسترسازی ناکامی مشروطه برای ظهور این فضای سیاسی و گفتمانی بود. در حقیقت مشروطه یک انقلاب ناکام بود که شکست آن دوره‌ای از «هرج و مرج» (کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۷۹: ۶۱) و «از هم پاشیدگی» سیاسی (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۲۸) را به وجود آورد که راه را برای ظهور حرکت‌های سیاسی و خلق گفتمان‌های فکری نو آماده نمود. در فضای پسامشروطه بازیگران و کنش‌گران سیاسی با مشاهده ناکامی مشروطه‌خواهان و عدم تحقق اهداف اولیه جنبش به سوی پایه‌گذاری حرکت‌ها و جنبش‌های جدید روی آوردند. جنبش جنگل، حرکت شیخ محمد خیابانی و بسیاری از حرکت‌های دیگر در گوشه و کنار کشور پس از ناکامی مشروطه در ایجاد نظم نهادی دموکراتیک ظهور کردند. در میان این حرکت‌ها برخی چندان دوام نیاوردند و به زودی فروپاشیدند، اما برخی چون جنبش جنگل و حرکت سمکو برای

مدت‌ها در ردیف مسائل و بحران‌های اصلی کشور قرار گرفتند. در این‌جا پرسش این است که حرکت سمکو چگونه در بستر ناکامی انقلاب مشروطه شکل گرفت؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش باید نگاهی به حرکت سمکو و چگونگی شکل‌گیری این حرکت و نحوه مواجهه حکومت مرکزی با آن پرداخت.

کردستان، نظم سیاسی ویژه و موقعیت استراتژیک

جغرافیایی که کردهای ایران در آن ساکن بودند، واجد موقعیت استراتژیک و نظم سیاسی ویژه‌ای بود. در طول تاریخ موقعیت جغرافیایی کردستان در تطابق و تداخل با مرز امپراطوری‌های بزرگ بوده است. هرچند کردستان از ادوار باستان برخوردار از این موقعیت بود، اما از قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی و روی کار آمدن صفویان و ترک‌های عثمانی چنین وضعی یک موقعیت خاص استراتژیک به کردستان بخشیده بود که آن را به آوردگاه ستیزهای سیاسی، نبردهای نظامی و منازعات ایدئولوژیک بدل ساخته بود (بروونه‌سن، ۲۰۰۹:۷). نیروهای سیاسی کردستان فعلاً در بازی قدرت‌های بزرگ وارد می‌شدند، زیرا آنان در منازعات و رقابت‌های داخلی کردستان به حمایت قدرت‌های بزرگ نیاز داشتند. در واقع از این دوره در سپهر سیاست کردستان دو طرف اصلی رقابت و منازعه حضور داشتند؛ طرفداران ترک‌ها و طرفداران ایرانیان (بروئینسین، ۱۳۸۷: ۱۱۲). البته این طرفداری‌ها شکل یک اتحاد استراتژیک و ائتلاف قدرتمند سیاسی را نداشت و بیشتر ائتلاف و اتحاد تاکتیکی نیروهایی بود که موقعیت‌های خاص سیاسی آنان را به هم نزدیک می‌ساخت و هرگونه تغییر در موقعیت‌ها موجب تغییر در طرفداری‌ها و اتحادها می‌گشت. در بخش عمده‌ای از دوره صفوی این شکل از سیاست‌ورزی سمت و سوی تحولات را در کردستان تعیین می‌نمود.

اگرچه این نظم سیاسی ویژه در موقعیت‌های بحران و از هم‌پاشیدگی بیشتر خود را نشان می‌داد، اما تداوم آن در دوره معاصر نیز کاملاً مشهود بود. با این تفاوت که در دوره معاصر یک متغیر جدید و مؤثر وارد جبهه‌بندی‌های سیاسی شده بود؛ متغیر قدرت‌های جهانی با ورود این قدرت‌ها به ایران و عثمانی قدرت‌های منطقه‌ای در کردستان ایران و عثمانی به نیروهای جدید به عنوان وزنه‌ای جهت افزایش بهره‌مندی از قدرت خود و همچنین اعمال فشار به هر

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... سید هاشم آقاجری و همکار

یک از دولت‌های ایران و عثمانی می‌نگریستند. به نحوی که دوگانه پیشین «طرفداران ترک‌ها» و «طرفداران ایرانی‌ها» به چندگانه طرفداران روس‌ها، انگلیس‌ها، ترک‌ها و ایرانی‌ها تبدیل شد.

پیشینه ایل شکاک و برآمدن سمکو

ایل شکاک از دوره قاجار تا پهلوی اول نقشی مهم در منازعات سیاسی شمال غرب ایران داشت. سکونت در منطقه سرحدی ایران و عثمانی و کشمکش‌های دیرپای سران این ایل با حاکمان ترک‌زبان منطقه سکونتشان در ایران از عوامل مهم تبدیل شدن کردهای ایل شکاک به بازیگران مؤثر در منطقه بودند. بخشی از اعضای این ایل در کردستان ایران در دشت‌های سلماس و ارومیه و چراگاه‌های ترگور و مرگور و دشتبیل (همان، ۱۳۱) و بخشی دیگر در ولایت وان و حکاری در کردستان عثمانی زندگی می‌کردند (هاوار، ۱۹۹۵: ۲۲۲).

در طول حکومت قاجار سران این ایل چندین بار وارد منازعه با حکومت شدند. شورش «اسماعیل آقای شکفتی» در ۱۲۲۲ ه.ق (ادیب‌الشعرا، ۱۳۴۶: ۳۶۶-۳۷۰) و «علی آقا شکفتی» در ۱۲۷۴ ه.ق (همان: ۴۷۸) از مهم‌ترین شورش‌های ایل مزبور در دوره قاجار بود. «محمدآقا» پدر سمکو پس از علی آقا شکفتی به عنوان رئیس ایل انتخاب شد. آنچه در دوره ریاست وی اهمیت دارد ارتباط وی با عثمانی و استفاده از اختلافات عثمانی و ایران برای تقویت موقعیت ایل شکاک بود. گزارشاتی که در این زمینه وجود دارد حاکی از نگرانی‌های ایران از سیر صعودی روابط محمدآقا با عثمانی‌هاست (گزیده اسناد ایران و عثمانی، ۱۳۶۹/۱۳۷۰، ۴-۴۶۲).

«جعفرآقا» پسر ارشد محمدآقا و برادر بزرگ سمکو پس از محمدآقا در حالی به ریاست ایل شکاک رسید که پدرش هنوز زنده بود. وی به دلیل تهور و جسارتی که داشت، توانست به سرعت سازمان ایل شکاک را منسجم کند و در ارتباط دائمی با ایرانی‌ها، عثمانی‌ها و روس‌ها برآید. فعالیت‌های جعفرآقا سبب شد که نظام‌السلطنه حکمران تبریز به حيله‌ای قدیمی و معمول درباره کردن متوسل شود و در تابستان ۱۳۲۳ ه.ق/ ۱۹۰۵م نقشه قتل جعفرآقا را به اجرا بگذارد (راتیسلاو، ۱۳۸۶: ۲۴۲)؛ بنابراین جعفرآقا را به تبریز دعوت کرد. در ظاهر هدف از این دعوت کمک خواستن از جعفرآقا برای سامان دادن به اوضاع شهر تبریز بود که به واسطه حضور ارمنی‌های قفقاز و ترک‌ها و درگیری‌های میان آن‌ها شهر دچار هرج و مرج شده

بود. نظام‌السلطنه پس از دادن قول مساعد به جعفرآقا و سوگند یاد کردن به قرآن و فرستادن قرآن مهمور برای وی موفق شد که جعفرآقا را به تبریز کشانده و پس از دو یا سه هفته پذیرایی از وی و همراهانش، هنگامی که جعفرآقا قصد مراجعت داشت، در کمینی در محل اقامت خودش، وی را به قتل برساند. این ترور به استناد منابع نه تنها تأثیر بسیار زیادی بر برادر و جانشین جعفرخان یعنی اسماعیل‌آقا گذاشت، بلکه سبب شد که کردهای عشیره وی در صداقت اولیای امور شک کرده هیچ‌وقت در خدمت صمیمی [دولت نشوند] (هدایت، ۱۳۴۴: ۳۲۳). از سوی دیگر این عمل به جای ترساندن قبیله شکاک آن‌ها را بیشتر عاصی و سرکش نمود (ارفع، ۱۹۶۶: ۵۳) به استناد منابع این عمل حکومت قاجار در زمان مظفرالدین شاه و به دستور محمدعلی میرزا ولیعهد صورت گرفته است (هاوار، ۱۹۹۵: ۲۲۱-۲۲۲).

پس از کشته شدن جعفرآقا برادرش اسماعیل‌آقا از جانب اعضای ایل به ریاست ایل شکاک رسید. سمکو در این زمان جوانی بیست ساله بود که ریاست دومین اتحادیه بزرگ ایلی در کردستان را برعهده می‌گرفت (بروئینسن، ۱۳۸۷: ۱۳۰). او مانند برادرش جعفرآقا شجاع، متهور و جسور بود و همین خصلت‌های فردی او را به رهبری قدرتمند در میان اعضای ایل شکاک و بعدها کردهای منطقه آذربایجان و ترکیه و بازیگری مؤثر در سیاست آن زمان تبدیل نمود.

هنگامی سمکو رهبری شکاک‌ها را به دست گرفته بود که بحران سیاسی پسامشروطه سراسر ایران را فراگرفته بود. مشروطه‌خواهان پس از پیروزی‌های اولیه و سرمست از تشکیل پارلمان و شکل‌گیری فضای باز سیاسی تصور نمی‌کردند که رژیم پیشین هنوز از آن اندازه توان سیاسی و قدرت گفتمانی برای تهییج حامیان و بسیج نیروهایش برخوردار باشد که در مدت زمانی کوتاه بساط رژیم جدید را درهم پیچد. حامیان رژیم قدیم پس از به توپ بستن مجلس در برخی از نقاط چون تبریز در برابر حامیان رژیم جدید صف‌آرایی کردند و ایران را به سمت جنگ داخلی سوق دادند. این جنگ داخلی زمینه حضور و مداخله قدرت‌های خارجی را بیش از پیش فراهم ساخت. در این بین روسیه علاوه بر مداخله مستقیم به نفع رژیم پیشین در مناطقی چون آذربایجان حضور نظامی و دخالت سیاسی خود را تقویت و بیشتر علنی نمود. نیروهای عثمانی نیز در امورات منطقه شمال غرب ایران پا به پای روس‌ها دخیل بودند و بارها مناطق مختلف را مورد هجوم قرار دادند. مهم‌ترین و بارزترین رویارویی روس‌ها و عثمانی‌ها در این منطقه اعلان جهاد عثمانی علیه روس‌ها و مشارکت کردها در این جهاد بر

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاجری و همکار

ضد روس‌ها بود (کسروی، ۲۵۳۷، ۵۹۹؛ نیکیتین، ۲۵۳۶: ۲۳۱-۲۳۲)؛ از سوی دیگر نیروهای ایلی و پیرامونی قدرت در عرصه سیاسی ایران دوباره سر برآوردند و نظم نوین نیم بند ایرانی را هر چه بیشتر به چالش کشاندند.

سمکو و بحران پسامشروطه؛ بازیگری عمل‌گرایانه

سمکو چون دیگر بازیگران سیاسی در جریان منازعه بین مشروطه‌طلبان و نیروهای ضد مشروطه دخالت کرد. او در ۲۰ شهریور ۱۲۸۶ ه. ق/ ۱۹۰۶ م با نیرویی ۳۰۰ نفره به یاری اقبال السلطنه ماکویی رفت و در نبرد ماکو و محاصره تبریز شرکت کرد (ریاحی، ۱۳۷۲: ۵۲۶). این اقدام سمکو ناشی از روابط پایداری بود که شکاک‌ها از گذشته با اقبال السلطنه ماکویی داشتند (هه‌ورامی، ۲۰۰۶: ۳۹۴ - ۳۹۵). همچنین تلاش وی در راستای بسط و توسعه نفوذ در منطقه بود و شواهدی در دست نیست که متأثر از جریانات مشروطه‌طلب و ضد مشروطه بوده باشد. اولین پیامد عملی شرکت کردن در این جنگ رسیدن به والی‌گری منطقه قطور بود که این انتصاب از جانب دولت مرکزی نیز تأیید گردید (بروئینسن، ۱۳۸۷: ۱۳۴)؛ البته سمکو و محمدآقای پدرش پس از کشته شدن جعفرآقا توانسته بودند عملاً منطقه قطور را تحت سلطه خود درآورند و تأیید حکومت مرکزی در حقیقت پذیرش بالاجبار این واقعیت بود. به دست آوردن حکمرانی این منطقه و اهمیت استراتژیک آن سبب شد که عثمانی‌ها چندین بار پیشنهاد تابعیت به سمکو دهند اما وی این پیشنهاد را نپذیرفته بود. (لازاریف، ۱۹۸۹: ۶۲۴)

هم‌زمان با افزایش و تشدید منازعه‌ی داخلی در ایران، شمال غرب کشور توسط عثمانی‌ها در خلال ۱۹۰۶-۱۹۱۱ م/ ۱۲۸۵-۱۲۹۰ ه. ش اشغال شد (بروئینسن، ۱۳۸۷: ۱۱۰) هرچند عثمانی‌ها در خلال این سال‌ها همه مناطق کردنشین را تصرف نکردند و در امورات داخلی آن‌ها چندان دخالتی نداشتند، اما براساس اسناد روسیه سمکو با نمایندگی‌های دیپلماتیک آن‌ها در تبریز و ارومیه ارتباط برقرار کرد و خواهان کسب حمایت آن‌ها برای بیرون راندن ترک‌ها از منطقه شد (هه‌ورامی، ۲۰۰۶: ۳۷۳)، اما هنگامی که او موفق به کسب حمایت روس‌ها نشد، با شهبندر عثمانی در خوی بنای مراوده و ارتباط گذاشت (اسناد وزارت امور خارجه؛ گزارش کارگزاری خوی به کارگزاری کل ۱۳۳۳، کارتن ۶۶، پرونده ۴۳)

روس‌ها پس از جریان شوستر در سال ۱۹۱۱م. نیروهای خود را در آذربایجان پیاده کردند. این حضور آشکار نظامی روس‌ها را در جایگاه مهم‌ترین بازیگر تحولات این مقطع قرار داد. سمکو مانند بسیاری از بازیگران منطقه‌ای باب مراوده با روس‌ها را گشود. اسناد روس در خلال سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۲م. حاکی از ارتباط سمکو و دیپلمات‌های این کشور بوده است (همان، ۳۷۴). در ابتدا چریکوف کنسول روس در خوی با سمکو ارتباط برقرار می‌کند به تدریج سطح این روابط ارتقا می‌یابد به گونه‌ای که در سال ۱۹۱۲م/۱۲۹۱ه.ق نماینده تزار روس در قفقاز سمکو را رسمی دعوت کرده (همان، ۳۷۵) و نشان «دو استانسلاو» را به او اعطا می‌کند (هه‌ورامی، ۲۰۰۶: ۸۵). سمکو از رابطه خود با روس‌ها هم برای افزایش قدرت منطقه‌ای و هم برای تقویت موقعیت درون ایلی بهره برد. مثلاً سمکو براساس ارتباطاتی که با چریکوف روسی داشت توانست با حمایت وی اسماعیل آقای کردار (کاردار) و سایر رقبای درون ایلی خود را کنار زند (بروئینسن، ۱۳۸۷: ۱۳۵)، هرچند ماه عسل این روابط چندان به درازا نکشید و سمکو در ۱۹۱۳م به دنبال اختلاف با روس‌ها علیه آنان به جنگ پرداخت (هه‌ورامی، ۲۰۰۶: ۱۵۷).

اقدامات سمکو در دوره بحرانی مشروطه دو هدف اصلی تقویت موقعیت درون ایلی و تقویت جایگاه و نفوذ منطقه‌ای وی را دنبال می‌کرد. روابط سمکو با کارگزاران ایرانی، رهبران مخالف مشروطه و سرکردگان مشروطه‌خواه و همچنین رابطه وی با نیروهای خارجی در راستای رسیدن به این اهداف بود. تغییرات پیاپی در شکل دادن به اتحادها و ائتلاف‌ها وی در این سال‌ها به نوعی بازتاب‌دهنده فضای پرآشوب این دوره و از آن مهم‌تر دلالت بر رویکرد عمل‌گرایانه سمکو در جهت‌گیری‌های سیاسی‌اش داشت.

جنگ جهانی اول، سمکو در قامت یک بازیگر منطقه‌ای

شمال غرب ایران با وقوع جنگ اول جهانی به مرکز جولان نیروهای درگیر جنگ تبدیل شد. ترک‌ها، روس‌ها، انگلیسی‌ها آلمانی‌ها و آشوری‌های مهاجر از منطقه حکاری به همراه نیروهای پراکنده و ضعف دولت مرکزی و عشایر موجود در منطقه، بازیگران و بازی‌گردانان صحنه سیاست در این مقطع بودند. دست به دست شدن شهرها و جنگ‌های پی‌درپی بین نیروهای

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاچری و همکار

ترک و روس، قتل عام مردم منطقه توسط روس‌ها، قحطی و کمبود غلات حاصل از ورود نیروهای روسی و ترک (ارفع، ۱۹۶۶: ۵۴) سبب شده بود که خشونت و جنگ به شکل اصلی وضعیت موجود تبدیل شود. موقعیت جغرافیایی این منطقه طوری بود که ایجاب می‌کرد جنگ در خاک آن جریان و دامنه پیدا کند، مگر این‌که اهالی برای حفظ بی‌طرفی خود جنگ کنند (سایکس، ۱۳۷۷: ۶۱۵).

در جریان جنگ جهانی اول سمکو چندان دخالتی در امور منطقه نکرد و به طور جدی در منازعات جنگ بین ترکیه و روس‌ها وارد معرکه نشد. این به معنای در پیش گرفتن سیاست انفعالی سمکو در خلال جنگ نبود. بررسی وقایع این دوره نشان می‌دهد که سمکو در ارتباط با روس‌ها، ترک‌ها، ناسیونالیست‌های کرد عثمانی، نیروهای دولتی و نیروهای مهاجر آسوری در منطقه بود. براساس اسناد روسیه، سمکو در ابتدای جنگ به واسطه بدرفتاری روس‌ها با کردها و با یاری ترک‌های عثمانی در جنگ به روس‌ها اقدام کرد. با تلاش روس‌ها در برقراری ارتباط با سمکو، وی با روس‌ها پیمان بست و در قبال دریافت ماهانه ۱۵۰۰ روبل و دریافت اسلحه به طرف‌درای از روس‌ها پرداخت و حتی یکبار روس‌ها را از محاصره ترک‌ها نجات داد (ههورامی، ۲۰۰۶: ۸۹). به نظر می‌رسد که سمکو به دلیل ارتباطی که با کردهای ناسیونالیست ترکیه داشت، هیچ وقت تمایل شخصی به ترک‌ها نداشت.^۷ نزدیکی وی به ترک‌ها تنها در مواقعی صورت می‌گرفت که هیچ نیروی دیگری برای حمایت از خود در منطقه پیدا نمی‌کرد. از جمله زمانی که با ورود نیروهای عثمانی به منطقه و تخلیه شدن نواحی سلماس، خوی، ارومیه، اشنویه و مهاباد از نیروهای روس، ارتش عثمانی با فرماندهی خلیل پاشا^۸ توانستند وارد منطقه شوند. ترک‌ها با اعلان جهاد علیه روس‌ها توانستند بخش قابل توجهی از کردهای منطقه مکریان و کردهای آناطولی را در نبرد روس‌ها با خود همراه گردانند. هرچند این همکاری به صورت عمومی نبود.^۹ یکی از دلایل حمایت کردها از ترک‌های عثمانی مقابله به مثل با شیعه‌های آذری و حمایت عثمانی از سنی‌های منطقه بود (کسروی، ۲۵۳۷: ۶۰۰؛ تمدن، ۱۳۵۰: ۸۶-۸۴). سمکو در این مقطع با ترک‌ها همکاری کرد و گزارشات متناقضی در مورد همکاری کردن خود و یا اعضای قبیله‌اش در نبرد با روس‌ها گزارش شده است. با خروج نیروهای عثمانی از منطقه و ورود نیروهای موسوم به دراگون از قفقاز به فرماندهی شاربانتیه موجی از خشونت و کشتار عمومی منطقه را دربرگرفت (همان،

۶۱۷-۶۱۵؛ همان: ۱۲۳). این وضعیت در شهرهای مهاباد و اشنویه بسیار شدیدتر از سایر نواحی بود (تمدن، ۱۳۵۰). این برخورد هرچند به شکلی سبعانه دامن کردهای منطقه را گرفت، اما خشونت رفتاری روس‌ها در خلال جنگ مردم منطقه غرب را به صورت عمومی بی‌نسیب ساخت. قحطی، بیماری، کمبود غلات، اعمال دل‌خواهانه کنسولگری آن‌ها در منطقه، غارت بازار و انبار غله و کالاهای تجاری نظیر آنچه در بازار ارومیه (کلید نجات، ۲۴ رمضان ۱۳۳۵- روزنامه ایران شماره ۱۰۵، ۱ شوال ۱۳۳۵: ۲)، سلماس (روزنامه ایران، شماره ۱۴۵، ۱۲ صفر ۱۳۳۶: ۲۸: ۲)، خوی (روزنامه ایران، شماره ۱۵۶، ۲۰ ربیع الاول ۱۳۳۶: ۲) رخ داد، تنها نمونه‌ای از بدرفتار روس‌ها با مردم منطقه در این مقطع بود.

در این مقطع سمکو سعی کرد که خود را از انتقام‌جویی روس‌ها برهاند و با تحویل دادن عده‌ای از اعضای ارتش عثمانی به روس‌ها سعی کرد دوباره خود را به روس‌ها نزدیک گرداند (خسروی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸)، اما روس‌ها وی را به همراه سید طه و عبدالرزاق بدرخان روانه زندان تفلیس کردند (هاوار، ۱۹۹۵: ۱۷۷). روس‌ها به دلیل نارضایتی که در منطقه از زندانی کردن سمکو به وجود آمده بود و احتمال متمایل شدن کردها به ترک‌ها در ۱۹۱۶م. سمکو و اطرافیانش آزاد کردند (هه‌ورامی، ۲۰۰۶: ۴۰). اسناد روسی نشان می‌دهند دلیل این دستگیری بیشتر کینه شخصی «چرنوزبوف» روسی از سمکو بوده است. او پس از بازگشت سمکو همچنان به دشمنی با سمکو ادامه داد و از خواست که نام کسانی که در سپاهش هستند تحویل داده و سلاح آن‌ها را نیز تحویل دهد. سمکو تمکین نکرد در نتیجه روس‌ها به چهریق حمله کرده و متعاقب آن سمکو به ترکیه گریخت. روس‌ها نزدیک شدن وی به ترکیه را جایز ندانسته، در نتیجه با فشار سفیر روسیه در تهران و برخلاف نظریات کنسول‌های منطقه‌ای روس‌ها در غرب ایران، احمدشاه قاجار در شانزدهم سپتامبر ۱۹۱۶م رسماً وی را به حکمرانی منطقه سومای برادوست منصوب کرد (لازاریف، ۱۹۸۹: ۶۲۴).

یکی دیگر از اقدامات سمکو در این مقطع برخورد وی با نیروهای مسیحی مهاجر موسوم به جیلو بود که در تابستان ۱۹۱۵م ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر از منطقه حکاری در عثمانی به واسطه شکست از نیروهای عثمانی و کرد به ارومیه، سلماس و خوی عقب‌نشینی کرده و به ایران پناهنده شدند (نیکیتین، ۲۵۳۶: ۱۹۹).^{۱۰} سکونت جیلوها در اطراف ارومیه (همان، ۲۰۹؛ ارفع،

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آفاجری و همکار

۱۹۶۶: ۵۴) و سلماس یعنی در مناطقی که سمکو آن را به منزله سرزمین‌های تحت سلطه خود می‌نگریست و همچنین تأکید آن‌ها بر ناسیونالیسم قومی و تلاش جهت شکل دادن به سرزمینی مسیحی (ارفع، ۱۹۶۶: ۵۶-۵۵) در این منطقه لاجرم نیروهای کرد و مسیحی را در مقابل همدیگر قرار می‌داد. مسیحیان در پیگیری اقدامات خود مورد حمایت روس‌ها (نیکیتین، ۲۲۴؛ روزنامه ایران، ۷ رمضان ۱۳۳۵: ۱؛ اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۶؛ کارتن ۴۲؛ پرونده ۲۶؛ سند شماره ۲۹) ^{۱۰} و انگلیسی‌ها (شیخ نوری و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۹-۶۸) بودند. از زمان ورود این نیروها تا زمان خروج آن‌ها در در تاریخ ۲۲ شوال ۱۳۳۶ / ۴ آگوست ۱۹۱۸ موجهی از خشونت‌های دینی و قومی منطقه را فراگرفت. ^{۱۲} گزارشات منابع این دوره نشان از این مسئله دارد که جیلوها نه تنها قصد داشتند که در خدمت سیاست‌های روسیه و انگلستان برآیند، بلکه هدف نهایی‌شان سبب می‌شد که دموگرافی منطقه نیز دست خوش تغییر شود. حکومت مرکزی ایران با ترغیب و تحریک سمکو موفق شد که ضربه اصلی خود را به نیروهای مسیحی وارد کند. ^{۱۳} مارشیمون در ۳ جمادالائانی ۱۳۳۶ / ۱۶ مارس ۱۹۱۸ م. با ۱۴۰ نفر از برگزیدگان خود به دیدار با سمکو در سلماس رفت. منابع اهداف مختلف و متناقضی برای این دیدار عنوان کرده‌اند. سمکو در این دیدار مارشیمون را به قتل رساند (کسروی، ۷۲۵۲۵۳۷-۷۳۳). این مسئله به حدی در برهم‌زدن سازمان نیروهای مسیحی مؤثر بود که دیگر نتوانستند دوباره سامان یابند. منابع کردی، فارسی و غربی هر یک به گونه‌ای به تفسیر این حرکت سمکو پرداخته‌اند. سمکو خود در اظهاراتش دلیل اقدام به این قتل را مقابله با تلاش مسیحیان جهت ایجاد سرزمینی مسیحی در منطقه در مقابل هویت خواهی سیاسی- قومی خود مطرح می‌کند (هاوار، ۱۹۹۵: ۳۵۶-۳۵۵) پی‌آیند وقایع و رویدادهای گفته شده سبب گردید که با پایان یافتن جنگ جهانی اول سمکو به چهره مهم سیاسی- نظامی غرب دریاچه ارومیه بدل گردد.

سمکو: از رهبری ایلی تا داعیه‌داری قومی - سیاسی

دومین مرحله اقدامات سمکو و یا به تعبیری درست دوره شروع شورش سمکو علیه حکومت مرکزی پس از پایان جنگ اول جهانی و خروج مسیحیان و به دنبال آن خروج نیروهای عثمانی بود. حرکت‌های سمکو در خلال سال‌های پس از مشروطه و در جریان جنگ اول جهانی تفاوت چندانی با حرکت‌های ایلی پیش از خود نداشت. پس از اتمام جنگ و رودررو قرارگرفتن سمکو با حکومت مرکزی ایران آشکارا داعیه حمایت از کردها را مطرح کرد. دیدگاه منابعی که حرکت سمکو را مورد توجه قرار داده‌اند گوناگون است. منابع ایرانی و به ویژه پژوهش‌های تاریخی که ترک‌های آذربایجان نگاشته‌اند و خاطراتی که حاصل خامه فرماندهان شرکت‌کننده در نبرد با سمکو است، وی را شخصیتی غارت‌گر و راهزن و جبار قلمداد کرده‌اند؛^{۱۴} در مقابل پژوهش‌گرانی اروپایی نظیر کوچرا (کوچرا، ۱۳۷۷: ۶۲) و نویسندگان کرد چون محمدرسول هاوار وی را پدر ناسیونالیسم کرد قلمداد می‌کنند. این تفاوت در بیان جنبش و شاخصه‌های آن برخاسته از اهداف اولیه، تفاوت در تفسیر تاریخ سیاسی و بیان‌ثبت‌کنندگان آن‌ها در بافت‌های مختلف است (والی، ۱۳:۲۰۱۱).

حرکت سمکو را می‌توان به عنوان آخرین حرکت جدی ایلی و در عین حال به عنوان نخستین حرکتی در نظر گرفت که ایدئولوژی و مشروعیت خود را از مسأله هویت‌خواهی قومی - سیاسی کردها کسب می‌نمود.^{۱۵} جو عمومی حاصل از انتشار اندیشه ناسیونالیستی در منطقه و جهان به‌گونه‌ای بود که بسیاری از اقلیت‌های منطقه را تحت تأثیر قرار داده بود؛ بر این اساس کردها نیز تحت تأثیر جو موجود قرار گرفته و برخلاف گذشته که در قالب تعلقات ایلی در منازعات منطقه‌ای مشارکت می‌کردند به تدریج تحت تأثیر فضای ناسیونالیستی منتشر شده در منطقه قرار گرفتند. کسروی توسعه اندیشه ناسیونالیستی کردی در این دوره را این‌گونه بیان می‌کند: «اگرچه» کردان همیشه چون فرصت یافتندی با دولت نافرمانی نمودندی... ولی سیمکو در این زمان برای کردستان جداسری (استقلال) می‌خواست و در این راه آرزو بود که با آمادگی می‌پرداخت. یکی از تخم‌های آشوب و زیان‌کاری که اروپاییان در شرق افشاندند این آرزوی جداسری است. کارکنان آنان سال‌ها گردیده و بمیان کردان و ارمنیان و ترکمانان و آسوریان و بختیاریان و دیگران رفته و این تخم را در دل‌های آنان کاشته‌اند. کردان نیز از سال‌ها چنین سخنان را شنیده و هوشمندانی از آنان این آرزوی خام را دنبال کرده و گاهی نیز کتاب‌ها یا گفتارهایی نوشته بودند. اکنون سیمکو آن آرزو را به کار بستن می‌خواست و به

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آفاجری و همکار

پیروی از آزادی خواهان عثمانی که ((ژن ترک)) پدید آورده و آن کارها را کرده بودند به پدید آوردن ((ژن کرد)) می کوشیدند» (کسروی، ۲۵۳۷: ۸۳۰).

در نامه‌ای که سمکو به ظفرالدوله حاکم تبریز در تاریخ ۱۹۲۲/۰۵/۳۱ نوشت این گونه اظهار می کند که «ما خیلی خوب می دانیم که برخی از ملت های دنیا که یک چهارم کردها نیز نیست به آرزوی خود یعنی استقلال رسیده اند. به آلمانی ها نگاه کنید که چگونه این مسئله را بین خودشان ایجاد کرده اند. در حقیقت اگر ملت بزرگ کرد در ایران به آرزوهای خود نرسد مرگ برایش بهتر از زندگی است. در روزگاری که در آن زندگی می کنیم حکومت ایران چه بخواهد و چه نخواهد ما خواهان رسیدن به حق خودمان یعنی استقلال هستیم. این آرزوی هر انسان کردزبانی است و سرچشمه زندگانی تازه ای است برای مردم ما» (کوچرا، ۱۳۷۷: ۶۵؛ هاوار، ۱۹۹۵: ۴۲۰-۵۱۷-۵۱۸) و یا در جایی دیگر و در تحلیل اوضاع سیاسی ایران خطاب به یک افسر انگلیسی اظهار می کند که «ترک ها مرده اند و حالا ما (یعنی بریتانیا) از کردها می خواهیم که خود را به ملت مرده دیگری ببندند که شاهی مرده بر آن حکومت می کند» (مک داول، ۱۳۹۳: ۳۷۵).

سمکو جهت عملی کردن داعیه هویت خواهی سیاسی - قومی خود اقدامات مختلفی را به انجام رسانید. وی اقدام به برقراری ارتباط با روشن فکران و نخبگان سیاسی ناسیونالیست کرد نمود. در داخل ایران در ارتباط با سیف القضاة^{۱۶} یکی از روحانیان ناسیونالیست مهابادی و محمد ترجانی زاده بود.^{۱۷} همچنین او ارتباط با شیوخ شمزینی در کردستان عثمانی داشت. شخصیت مهم اعضای این خاندان که در ارتباط با سمکو بود، سید طه نهری نواده شیخ عبیدالله نهری بود.^{۱۸} سید طه قبل از جنگ اول جهانی از طریق ازدواج با گلغذار خانوم دختر جعفر آقای برادر سمکو با خانواده سمکو ارتباط برقرار کرده بود. وی ضمن این که ملی گرایی برجسته بود با نفوذترین شخصیت آن سوی مرز نیز بود (بروئینسن، ۱۳۸۷: ۱۳۵). سید طه دو وظیفه عمده را در دورانی برعهده گرفت که در نزد سمکو بود. او واسطه برقراری ارتباط سمکو با انگلیسی ها بود و به نحوی در جلب توجه انگلیسی ها به مسئله استقلال خواهی کردها تحت رهبری سمکو سعی نمود (اسناد وزارت خارجه، کارتن ۴۳، پرونده ۱۰، شماره ۴۲؛ اسناد وزارت خارجه کارتن ۴۳، پرونده ۱۹، ش ۶-۸-۹). علاوه بر این کار میانجی گری در مذاکرات سمکو با حاکمان محلی را نیز برعهده داشت.

شخصیت دیگر برجسته هویت خواه کرد که در سال‌های اولیه حرکت سمکو با وی در ارتباط همیشگی بود. عبدالرزاق از خانواده کرد معروف بدرخانی‌های عثمانی بود. وی فرزند نجیب‌پاشا و نواده بدرخان پاشا معروف بود. عبدالرزاق از شاگردان حاج قادرکویی ادیب هویت خواه برجسته در استانبول بود. ریشه شناخت عبدالرزاق با خانواده سمکو هنگامی بود که محمدآقا برای کمک از سلطان عثمانی به استانبول رفته بود و عبدالرزاق با محمدآقا آشنا شده بود. وی به زبان‌های روسی و غربی آشنا بود. چند سالی به عنوان سفیر عثمانی در روسیه خدمت کرده بود و سپس تحت تأثیر جو ناسیونالیستی کردها در عثمانی قرار گرفته و پس از گفتگو با سران عشایر به دلیل دیدگاه مشترکی که با سمکو داشت نزد وی باقی ماند و اقدامات خود را شروع کردند. تشکیل جمعیت روشن‌فکری جهاندانی در خوی، تأسیس اولین مدرسه به زبان کردی در خوی به شیوه اداره مدارس روسی، انتشار اولین روزنامه کردی در ارومیه با همکاری سمکو در خلال سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۱۴، ارتباط با چریکوف کنسول روسی و سعی در جلب توجه روس‌ها به مسأله کردها تحت رهبری سمکو، شرکت کردن در اجلاس سران کرد در کردستان عثمانی به دعوت ملا سلیم بتلیسی با حضور سید طه و سمکو و یوسف کامل بیگ از اقدامات مهم بود که عبدالرزاق بدرخان در تلاش برای نشر افکار هویت خواهانه با همراهی سمکو انجام داد (هاوار، ۱۹۹۵: ۱۴۶-۱۶۶).

علاوه بر شخصیت‌های نامبرده سازمان‌ها و تشکلهایی بودند که در نشر افکار هویت‌خواهی سمکو تأثیرگذار بودند. مهم‌ترین این سازمان‌ها «سازمان آزادی کردستان» به ویژه شاخه ارزروم بود. اگرچه روابط این سازمان با سمکو منقطع و گسسته بود، اما اعضای این سازمان در دوره‌ای سمکو را به عنوان رییس نمادین خود انتخاب کردند. مهم‌ترین مسأله‌ای که سمکو و گردانندگان این سازمان را به هم نزدیک می‌کرد؛ دیدگاه آنان نسبت به مسئله استقلال کردستان و جدایی از ترک‌ها و فارس‌ها بود. سمکو متأثر از رویکردی که سازمان داشت، سعی نمود در ارتباط با روسای عشایر ایران زمینه خیزش عمومی را ایجاد کند. این مسئله در دوره‌ای بود که حکومت مرکزی ایران در سال‌های اولیه به قدرت رسیدن رضاشاه هرچه بیشتر به سمت ملیتاریزه شدن سوق می‌کرد. روسای عشایر توجه چندانی به پیشنهادات سمکو نکردند. از سوی دیگر ارتباطاتی که سمکو با مصطفی کمال [آتاتورک سال‌های بعد] برقرار می‌کرد به گونه‌ای بود که اعضای این سازمان را از کار کردن با سمکو دلسرد می‌کرد.

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاجری و همکار

اگرچه گفتار هویت خواهی سمکو وی را در زمره رهبران هویت خواه کرد در خلال سال‌های پس از جنگ اول جهانی قرار می‌داد، اما نکته‌ای که حائز اهمیت است، این مسئله بود که شرایط اجتماعی و ساختاری ایلی حرکت وی تناقض کردار و گفتار حرکت ناسیونالیستی وی را نشان می‌دهد. وابستگی شدید سمکو به وفاداری‌های اولیه اتحادیه ایلی مسبب بازتولید معضلاتی بود که لاجرم این حرکت را در سنخ حرکت‌های ایلی تقلیل می‌داد. رقابت و دشمنی سمکو و عمرآقا به عنوان رقیب درون ایلی خود، ریزش سریع نیروهای سمکو نظیر آنچه در نبرد نهایی نیروهای سمکو با سپاهیان رضاخان صورت گرفت، عملکرد سمکو برای اداره مناطق تحت سلطه - نظیر عدم ایجاد ساز و کارهای قانونی در امور اداره مناطق، سپردن ریاست شهرها به نیروهای عشیره‌ای، عدم اتکا به نیروهای مردمی تحت سلطه در عوض تلاش برای جلب حمایت‌های خارجی، ناتوانی در کنترل غارت‌های نیروهای تحت سلطه‌اش به جان و مال اهالی، نظیر آنچه در مهاباد رخ داد، عدم اعتقاد به الزام در ایجاد تشکیلات سیاسی و یا شورای جنگی، ایجاد ارتباط تناقض‌آمیز با نیروهای تشکیلاتی ناسیونالیستی کرد و در همان حال ارتباط با دشمنان آنان نظیر آنچه در ارتباط با سازمان آزادی کردستان و ارتباط با مصطفی کمال داشت؛ همگی از یک سو نشان از تناقض در عملکرد و ایده سمکو داشت و از سوی دیگر عدم تناسب ایدئولوژی ناسیونالیسم با ساختار سنتی عشیره‌ای را نمایان می‌کرد. اگرچه ممکن است ایده کردستان مستقل توسط رهبری حرکت سمکو حمایت شده باشد، اما کم‌ترین شکی در آن نیست که نه تنها هرگز به عنوان هدف استراتژیک وی مطرح نشد؛ بلکه توضیح بخش همه حرکت سیاسی - قومی وی نیز نبود (والی، ۲۰۱۱: ۱۴).

تبیین اثرگذاری شکست مشروطه بر شکل‌گیری جنبش سمکو

بازنگری و مبارزه با خودکامگی به عنوان اهداف اصلی مشروطه‌خواهان سبب فروپاشی نظم سنتی قاجار گردید. این مسئله هم‌زمان با تلاش مشروطه‌خواهان در سامان دادن به دولت‌سازی مدرن در قالب نهادهای دموکراتیک و مردم سالار شد که جایگزین نظم سنتی ایران شود. مشروطه‌خواهان در سامان دادن به این نظم نوین ناکام بودند. این رخداد تاریخی ایران مدرن را می‌توان ناتمام نامید. ناکامی جنبش مشروطه در استقرار نظم دموکراتیک را باید در سه سطح

دگرگونی‌های داخلی، تحولات نظام بین‌الملل و ستیز گفتمانی تحلیل نمود. ناکامی این رخداد با وقوع جنگ اول جهانی و ورود نیروهای درگیر جنگ به خاک ایران عمیق‌تر شده و قدرت دولت مشروطه توسط نیروهای بین‌المللی و طرف‌های منازعه داخلی به چالش کشیده شد. در حقیقت اگرچه مشروطه‌خواهان موفق شدند که هسته مرکزی ساخت قدرت سیاسی که عینیت خود را در شخص پادشاه پیدا می‌کرد به حاشیه برانند، اما در جذب منظومه‌های قدرت وابسته به نهاد سلطنت ناکام بودند که بارزترین نمود آن قدرت‌های حاشیه‌ای قدرت سیاسی در ایران بود؛ بنابراین دو مسئله به صورت هم‌زمان سبب بازتولید قدرت‌یابی نیروهای حاشیه‌ای در ایران پس‌امشروطه شد. از یک سو مشروطه‌خواهان در سامان دادن به نظم نوین دموکراتیک و مجلس قدرتمند و قوه مجریه مستقل ناکام بودند و از سوی دیگر حاشیه‌های قدرت سیاسی وابسته به منظومه قدرت سیاسی پیشین در ایران را نتوانستند جذب نهادهای دموکراتیک نمایند. این مسئله می‌تواند توضیح‌بخش قدرت‌گیری مجدد قدرت‌های حاشیه‌ای در ایران پس از مشروطه باشد. در حقیقت نظم کهن از جای کنده شده بود و نظمی نو جایگزین آن نگشته بود. در شرایط چنین فقدان طرف‌ها، جناح‌ها و کانون‌های مختلف سیاسی هر یک به نحوی در صدد ایجاد، گسترش و تعمیق ساختارهای ریز و درشت قدرت بودند.

حرکت سمکو در ایران پس از مشروطه از یک سو ناشی از هم‌پاشیدگی سیاسی این دوره از تاریخ ایران بود و از جانب دیگر حاصل متأثر شدن از ایدئولوژی هویت‌خواهانه کردی در میان کردهای عثمانی بود که نظم نوین و سستی حاکمان غیرکرد را در ایران و عثمانی به چالش می‌کشانید. این مسئله به بهترین نحوی در روزنامه کرد به عنوان ارگان پخش‌کننده مرام سمکو به این شکل تصریح شده است. غایه اصل نقطه نظر کردان حفظ شرافت قومیت و برقرار داشتن آسایش و آزادی تام است که در آتیه در این سرزمین و آب و خاک با رفاه حال بتوانند زندگی کنند. جد جهد کردان در این است که خود را از زیر محور سیاست ایرانیان که همیشه برای هدم و خفه کردن ایشان در دوران بوده خلاص نماید و برای نجات دادن قوم خویش از خطراتی که خیلی تهدیدآور و وحشت‌انگیز است مجبور با اقداماتی قاطع شده و در راه استقرار امنیت تام که از حال تزلزل و مبہیت بیرون آمده، در قلب عموم تولید یک اطمینان پایدار نماید فدا کاری می‌کنند... در این مدت سلطنت هیچ وقت ملت کرد را محافظه نگرده و کردان همیشه دچار مصائب خارجی هم شده‌اند. عوامل غیرت در کردان هیجان و غلیان

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاچری و همکار

آمده ملتجی به سپر قیام و پناهنده به سنگر اقدام و ابراز موجودیت شده و با صدای رسا این کلمه حقه را می‌سرایند: بگذارید دست به حقوق ما نزنید!!! از این زیاده ما را مورد تاخت و تاز نسازید! همه آمال کردان عبارت از این جمله «حفظ حقوق و تحصیل آتیه درخشان» است (روزنامه کرد، ۳، ۲۸ ذیقعه، ۱۳۴۰:۴).

نتیجه‌گیری

بررسی فرآیند پروسه دولت‌سازی مدرن در ایران دوره مشروطه در این مقاله نشان داد که این پروسه هرچند توانست نظم سنتی را کنار گذارد و قدرت سیاسی را از شخص پادشاه به نهادهای دموکراتیک نظیر مجلس شورای ملی و قوه مجریه منتقل کند، اما در تثبیت این نهادها و هم در جذب منظومه‌های ساخت قدرت سیاسی ایران پیشامدرن ناتوان عمل کردند. وقوع جنگ جهانی و ورود قدرت‌های جهانی به عرصه سیاسی ایران به همراهی این ناتوانی، دوره‌ای از هرج و مرج و فروپاشی سیاسی را در ایران به وجود آورد. این وضعیت سبب بازتولید و پدیداری قدرت‌های پیرامونی در مناطق مختلف ایران گشت. بررسی ماهیت هر یک از این حرکت‌ها و بررسی اهداف و ایده‌آل‌های رهبران آن‌ها نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها متأثر از فضای حاکم بر عملکردهای مشروطه‌طلبان و مخالفان استبدادگرای آنان بوده‌اند. در این بین برخی از حرکت‌های پیرامونی از وضعیت حاکم بر فضای فکری و کرداری مرکز نشینان تأثیر نگرفتند، بلکه حذف اقتدار حکومت مرکزی و ناتوانی آنان در اعمال سلطه به آنان اجازه داد که گونه‌ای از حرکت‌های پیرامونی را در ایران مدرن شکل دهند که مشروعیت ایدئولوژیک خود را از هویت‌خواهی قومی-سیاسی کسب می‌کرد. حرکت سمکو در این دوره از سنخ این نوع حرکت‌های پیرامونی به نسبت مرکز بود. آنچه در این باره قابل توجه است، این مطلب است که اگرچه حرکت سمکو در سطح رهبری مشروعیت خود را از هویت‌خواهی قومی-سیاسی کردی کسب می‌کرد، اما این حرکت فاقد تناقض‌های گفتاری و کرداری نبود. حرکت وی نیز چون تحولات مرکزی ایران واجد لایه‌های عمیق تناقض در گفتار و کردار بود. این مسئله به نحوی مشخص نتیجه ابتدای حرکت ناسیونالیستی بر ساختار اجتماعی سنتی بود که توانایی هضم و اجرای اهداف مطرح شده سطح رهبری را نداشت.

توضیحات:

۱. در منابع تاریخی نام اسماعیل آقا شکاک به طرق گوناگون نظیر سمتکو، سمیتکو، سیمکو، سمیتکو و سمکو آورده شده است. این نام‌ها که در حقیقت صورت تغییر داده شده نام اسماعیل در زبان کردی است تابع قانون و قاعده خاصی نیست. امروزه نیز برای اسامی عربی این تغییر در اسامی قابل مشاهده است. در این مقاله نام سمکو از آن جهت برگزیده شد که اغلب مردمان گویش بادینی در کردستان ایران اسماعیل را به این صورت تغییر می‌دهند و به ویژه اسماعیل آقا با این عنوان دارای معروفیت است.
۲. در این باره به مجموعه آثار، آخوندزاده در مکتوبات کمال‌الدوله، **طالبوف در سیاست و آزادی**، مستشارالدوله در رساله یک کلمه، ملک‌خان در رساله کتابچه غیبی و همچنین پژوهش‌های فریدون آدمیت، آرامش دوست‌دار، عبدالهادی حائری، سیدجواد طباطبایی... رجوع شود.
۳. به عنوان نمونه و در مقام مقایسه می‌توان به تفاوت‌ها بنیادین ساخت قدرت سیاسی در مقام عمل و نظر در نظام عثمانی و بیشتر کشورهای خاورمیانه‌ای اشاره کرد. اگرچه بنیادهای نظری مطلق بودن ساخت قدرت سیاسی و توانایی اعمال سلطه در رساله‌ها و منابع مشروعیت بخش و تئوریکال اهل سنت در عثمانی ساخت قدرت سیاسی سلطان را بلامنازع نشان می‌دهد، اما در مقام عمل ساختار درونی عثمانی اجازه اعمال این مطلق‌گرایی را ناممکن می‌کرد. رک به: استانفورد شاو، **تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید**، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۲۸۵-۲۸۶.
۴. برای تقسیم‌بندی دوره‌های دموکراسی‌خواهی در ایران به عنوان نمونه نک به ساعی، علی، **دموکراتیزاسیون در ایران ۱۲۸۵-۱۳۸۲**، تهران، نشر آگاه ۱۳۸۶.
۵. بارزترین نمود این مسئله روی کارآمدن سی و شش کابینه قوه مجریه و وضعیت نمایندگی و برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی در این دوره بود. عدم موفقیت مشروطه‌خواهان

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاجری و همکار

روی کار آوردن قدرت مجریه قدرتمند و ناتوانی آنان در برگزاری انتخاباتی که احساس دیرینه شکاف بین دولت و ملت را از بین برد، نشان از عدم موفقیت مشروطه‌خواهان در استقرار نظم دموکراتیک و دولت‌سازی مدرن در این دوره بود.

۶. به عنوان نمونه شاهسون‌های ترک و برخی از کردها به حمایت از نیروهای محمدعلی شاه پرداختند؛ در مقابل بختیاری‌ها و قشقایی‌ها به حمایت از نیروهای مشروطه‌خواه اقدام کردند. در این باره نک به تاپر، ریچارد تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، ترجمه حسن اسدی، نشر اختران. سید هاشم آقاجری، یونس قربانی‌فر، **الگوی عاملیت ایلی؛ در کشاکش دو فرایند منطقه‌ای و مرکزی سیاست در دوره قاجار**، مجله تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی) شماره ۱۳، (پیاپی ۷۱؛ زمستان ۱۳۹۱).

۷. به دلیل ناسیونالیسم انکارگرا و خشونت‌طلب ترک‌ها در تاریخ معاصر ترکیه، روشن‌فکران کرد اگرچه در اوایل تلاش‌هایی برای رسیدن به خواست‌هایشان در تعامل و همراهی با نیروهای اپوزوسیون ترک صورت دادند، اما روند حوادث آنان را به این نتیجه رساند که ترک‌ها حاضر نیستند که هویت و خواست فرهنگی - سیاسی کردها را بپذیرند.

۸. ورود این نیرو به فرماندهی خلیل‌پاشا در بیت خلیل‌پاشا در منطقه اشنویه وارد ادبیات شفاهی منطقه شده و توسط نقالان خوانده می‌شود. بیت مورد نظر را در آرشیو خانگی آقای رحمان تقی‌زاده در اشنویه یافت می‌شود.

۹. به عنوان نمونه سلیمان‌خان زرزا معروف به منصورالممالک در اشنویه و مفتی معروف مهابادی معروف به شیخ‌بابا، ابوبکر افندی اربیلی، محمد افندی سنجاقی، عبدالقادر افندی بیاره‌ای مخالف جهادیه‌های عثمانی بودند و از آن استقبال نکردند. رک به: نیکیتین، نیکیتین، موسیوب، **خاطرات و سفرنامه موسیوب**. ب نیکیتین، مترجم علی‌محمد فروه وشی، نشر معرفت، چاپ دوم، تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، صص ۲۳۲ - ۲۳۴.

۱۰. این تعداد را جرائد ایران ۳۰۰۰۰ نفر ذکر کرده‌اند رک به: **روزنامه ایران**، سال اول، شماره ۹۳، ۵ رمضان، ۱۳۳۵، ص ۴.

۱۱. در این باره نک به: نیکیتین، خاطرات و سفرنامه‌ی موسیو. ب نیکیتین، همان، ص ۲۲۴. روزنامه ایران، سال اول، شماره ۹۴، ۷ رمضان ۱۳۳۵، ص ۲۷. اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۶، کارتن ۴۲، پرونده ۲۶، سند شماره ۲۹.
۱۲. در این باره نک به: تمدن، محمد، اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۰. توفیق، رحمت‌الله، تاریخچه ارومیه یادداشت‌هایی از سال‌های جنگ اول جهانی و آشوب‌های بعد از آن، تهران نشر شیرازه، ۱۳۸۹. حشمت، غلامخان، مویه‌های شهر غریب، گزارشی مستند از وقایع جیلولوق و حوادث بعد از آن در ارومیه، نشر یاز، ارومیه، ۱۳۸۷. ریاحی، محمدامین، تاریخ خوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲. معتمدالوزاره، رحمت‌الله، ارومیه در محاربه عالم‌سوز، از مقدمه نصارا تا بلوای اسمعیل آقا ۱۳۰۰-۱۲۹۸ شمسی، به کوشش کاوه بیات، نشر تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۹. کاویان‌پور، احمد، تاریخ رضائیه، نشر آسیا، بی‌جا، ۱۳۴۴.
۱۳. درباره احتمال نقش حکومت مرکزی در به قتل رساندن مارشیمون توسط سمکو نک به: بروئینسین، مارتین وان، اسماعیل آقا سیمکو: جنگ سالار کرد در مرز ترکیه و ایران در اوایل قرن بیستم، ایران در جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، گردآوری و تألیف تورج اتابکی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷. هاوار، محمدهد ره‌سول، سمکو (ئیسماعیل ناغای شوکاک) و بزوتنه‌وه‌ی نه‌ته‌وایه‌تی کورد، سوید ئیستکهولم، چاپخانه ئاپیک، ۱۹۹۵، ص ۳۸۲. مسته‌فا ئه‌مین، نه‌وشیروان، کورد و عه‌جه‌م میژووی سیاسی کورده‌کانی ئیران، سه‌ننه‌ری لیکولینه‌وه‌ی ستراتیجی ی کوردستان، چاپی سییه، سلیمانی، ۲۰۰۵، ص ۴۱۵. مک‌داول، دیوید، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران، ۱۳۹۳، ص ۳۷۴. بیات، کاوه، ایران و جنگ جهانی اول اسناد وزارت داخله، به کوشش کاوه بیات، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۱، صص ۳۹۴-۳۹۵. روزنامه ایران، سال دوم، شماره ۱۸۴، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶، ۲۶ مارس ۱۹۱۸، ص ۲. روزنامه ایران، سال دوم، شماره ۱۸۴، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶، ص ۲.

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاجری و همکار

۱۴. در این باره به عنوان نمونه رک به: کسروی، احمد، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، نشر امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۷ شاهنشاهی. ریاحی، محمدامین، تاریخ خوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲. تمدن، محمد، *اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه*، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۰. کاویان‌پور، احمد، *تاریخ رضائیه*، نشر آسیا، بی‌جا، ۱۳۴۴. ارفع، حسن، *کردها یک بررسی تاریخی و سیاسی*، ترجمه از متن انگلیسی لندن چاپ دانشگاه اکسفورد نیویورک تورنتو ۱۹۶۶. هدایت، هدایت، مهدیقلی خان، (مخبرالسلطنه)، *خاطرات و خطرات*، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۴۴. حشمت، غلامخان، *مویه‌های شهر غریب*، گزارشی مستند از وقایع جیلولوق و حوادث بعد از آن در ارومیه، نشر یاز، ارومیه ۱۳۸۷.

۱۵. در این باره نک به: معتمدالوزاره هدف نهایی کردها را ایجاد حکومت کردیه می‌داند و این مسئله را معطوف به سابقه کردان قلمداد می‌کند. رک به: معتمدالوزاره، همان، ص ۲۸۴.

۱۶. سیف‌القضات بعدها یکی از کسانی بود که از حرکت ناسیونالیستی سمکو حمایت کرد و در روزنامه کرد سمکو در مدح حرکت سمکو سویه‌های ناسیونالیستی وی شعر سرود. رک به: *روزنامه کرد*، سال اول، شماره ۲، ۱۳۴۰، ص ۳.

۱۷. ترجمانی‌زاده مدیر مسئولی روزنامه کرد بود که در ارومیه چاپ می‌شد و مرام حرکت سمکو را منتشر می‌کرد.

۱۸. هرچند منابع دوره‌های مختلفی را برای ورود سید طه به تشکیلات سمکو ارائه می‌دهند، اما از دوره قبل از جنگ سمکو به واسطه ازدواج سید طه با دختر جعفرآقا برادر سمکو در ارتباط بود. از دوره بعد از اتمام جنگ بود که سید طه وارد تشکیلات سمکو گشت. معتمدالوزاره از حضور سید طه در ارومیه در ماه‌های آخر جنگ خبر می‌دهد. رک به: معتمدالوزاره، رحمت‌الله، *ارومیه در محاربه عالم سوز*، از مقدمه نصارا تا بلوای اسمعیل آقا ۱۳۰۰-۱۲۹۸ شمسی، همان، ص ۲۲۸.

منابع

— آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان: احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیانی، نشر نی.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی، (۲۰۱۶). *مکتوبات کمال‌الدوله*، به اهتمام علی اصغر حق‌دار، نشر باشگاه ادبیات، بی‌جا.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹). *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بروئینسین، مارتین وان (۱۳۸۷). *اسماعیل آقا سیمکو: جنگ سالار کرد در مرز ترکیه و ایران در اوایل قرن بیستم، ایران در جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ*، گردآوری و تألیف تورج اتابکی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس.
- ادیب‌الشعرا (میرزارشیدالدین) (۱۳۴۶). *تاریخ افشار*، به تصحیح محمود رامیان و پرویز شهریاری افشار، تبریز، شورای مرکزی جشن ملی ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی آذربایجان غربی.
- ارفع، حسن (۱۹۶۶). *کردها یک بررسی تاریخی و سیاسی*، ترجمه از متن انگلیسی لندن چاپ دانشگاه اکسفرده نیویورک تورنتو.
- استانفورد شاو (۱۳۷۰). *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، چاپ اول، ج ۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶). *عقل در سیاست سی و پنج گفتار در فلسفه جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی*، نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر نی.
- بیات، کاوه (۱۳۸۱). *ایران و جنگ جهانی اول اسناد وزارت داخله*، به کوشش کاوه بیات، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- تاپر، ریچارد (۱۳۸۴). *تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان*، ترجمه حسن اسدی، نشر اختران.
- تمدن، محمد (۱۳۵۰). *اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه*، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، تهران.
- توفیق، رحمت‌الله (۱۳۸۹). *تاریخچه ارومیه یادداشت‌هایی از سال‌های جنگ اول جهانی و آشوب‌های بعد از آن*، تهران، نشر شیرازه.

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاجری و همکار

- حشمت، غلامخان (۱۳۸۷). مویه‌های شهر غریب، گزارشی مستند از وقایع جیلولوق وحوادث بعد از آن در ارومیه، نشر یاز، ارومیه.
- دنیس اسمیت (۱۳۸۶). برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه دکتر هاشم آقاجری، تهران، انتشارات مروارید.
- راتیسلاو، آلبرت چارلز (۱۳۸۶). کنسول در شرق: خاطرات جنرال کنسول انگلستان از زندگی سیاسی خود و انقلاب مشروطیت ایران، مترجم رجبعلی کاویانی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲). تاریخ خوی، انتشارات توس، تهران.
- ساعی، علی (۱۳۸۶). دموکراتیزاسیون در ایران ۱۲۸۵-۱۳۱۲، تهران، نشر آگاه.
- سر پرسی سایکس، (۱۳۷۷). تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، نشر، تاریخ، ج ۲.
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰). تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی.
- کاویان پور، احمد (۱۳۴۴). تاریخ رضائیه، نشر آسیا، بی‌جا.
- کسروی، احمد (شاهنشاهی). تاریخ هیجده ساله آذربایجان، نشر امیرکبیر، تهران، ج ۲.
- کوچرا، کریس (۱۳۷۷). جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، نشر نگاه، تهران.
- _____ (۱۳۶۹-۱۳۷۰). گزیده اسناد ایران و عثمانی، تهران، انتشارات وزارت خارجه، ج ۴.
- لوسین پای و دیگران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لویس بک (۱۳۷۴). قبایل و جامعه مدنی، مجله ایران نامه، ش ۵۲، پاییز.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- محمد علی کاتوزیان (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز.
- معتمدالوزاره، رحمت‌الله (۱۳۹۶). *ارومیه در محاربه عالم سوز، از مقدمه نصارا تا بلوای اسمعیل آقا ۱۳۰۰-۱۲۹۸ شمسی*، به کوشش کاوه بیات، نشر تاریخ معاصر ایران، تهران.
- مک داوول، دیوید (۱۳۹۳). *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۱). *مشروطه و جمهوری*، ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران، تهران: نشر گستره.
- نیکیتین، موسیوب (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *خاطرات و سفرنامه موسیوب نیکیتین*، مترجم علی محمد فروه و شی، نشر معرفت، چاپ دوم، تهران.
- هدایت، مهدیقلی خان، (مخبرالسلطنه) (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات*، انتشارات زوار، تهران.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۷۱). *ویژگی‌های ساختار قدرت در ایران دوره اول قاجار*، مجله نامه فرهنگ، سال دوم، ش ۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). *ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران*، مجله ایران نامه، پاییز، ش ۸۳.
- توفیق، ابراهیم (۱۳۸۵). *مدرنیسم و شبه پاتریمونیالیسم (تحلیلی از دولت در عصر پهلوی)*، مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار، ش ۲۵.
- خسروی‌زاده سیروان (۱۳۹۴). *واکاوی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آغاز شورش سمکو ۱۲۸۵-۱۲۹۷ ش/۱۹۰۶-۱۹۱۸ م*، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و یکم، دوره جدید سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷، پاییز.
- سیدهاشم آقاجری، یونس قربانی‌فر (۱۳۹۱). *الگوی عاملیت ایلی؛ در کشاکش دو فرایند منطقه‌ای و مرکزی سیاست در دوره قاجار*، مجله تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی)، ش ۱۳، پیاپی ۷۱؛ زمستان.

تبیین تکوین و تطور حرکت سمکو... _____ سید هاشم آقاچری و همکار

- شیخ نوری، محمدمیر و دیگران (۱۳۹۴). «فعالیت‌های سیاسی - نظامی مسیحیان» و رقابت قدرت‌ها در غرب آذربایجان (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال چهارم، ش اول، پیاپی ۷.
- منوچهری، عباس (۱۳۷۶). طرح یک دیدگاه: کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سلطانیسم ایرانی، مجله تاریخ معاصر ایران، زمستان، ش ۴.

منابع کردی

- فان بروونه سن، م.م.، راه‌ریزی کورد به راه‌ریزی سمکو، وه‌رگیر شیرکو هه‌ژار، بی‌جی، ۲۰۰۹/۲۶۲۱.
- هاوار، محمهد ره‌سول، سمکو(ئیسماعیل ناغای شوکاک) و بزوتنه‌وهی نه‌ته‌وایه‌تی کورد، سوید ئیستکهولم، چاپخانه ئاپیک، ۱۹۹۵.
- ئه‌فراسیواو هه‌ورامی، پیداجوونه‌وه مسته‌فا غه‌فور، کورد له ئه‌رشیفی روسیا و سوفیه‌ت دا کومه‌له دیکومیتیکی نه‌یین له‌سه‌ر کیشه‌ی کورد له‌ساله کانی نیوان ۱۹۱۴-۱۹۲۴ که دوای رووخانی سوفیه‌ت رووناکی ده‌روه یان بینوه، ده‌زگای توپژینه‌وه و بلاوکردنه‌وه‌ی موکریانی، ۲۰۰۶.
- لازاریف، س.، کیشه‌ی کورد ۱۸۹۰-۱۹۱۷، م، وه‌رگیر له‌رووسیه‌وه به‌کوردی دوکتور کاووس قه‌فتان، به‌غدا، مطبعه‌الجاحظ، زاینی، به‌شی دوه‌م.
- مسته‌فا ئه‌مین، نه‌وشیروان، کورد و عه‌جه‌م میژووی سیاسی کورده‌کانی ئیران، سه‌نته‌ری لیکولینه‌وه‌ی ستراتیجی ی کوردستان، چاپی سییه، سلیمانی، ۲۰۰۵.

اسناد و روزنامه‌ها:

- اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸ گزارش کارگزاری خوی به کارگزاری کل ۱۳۳۳، کارتن ۶۶، پرونده ۴۳.
- اسناد وزارت خارجه کارتن ۴۳، پرونده ۱۹، ش ۶.
- اسناد وزارت خارجه کارتن ۴۳، پرونده ۱۹، ش ۸.

- اسناد وزارت خارجه کارتن ۴۳، پرونده ۱۹، ش ۹.
- اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۶، کارتن ۴۲، پرونده ۲۶، سند ش ۲۹.
- اسناد وزارت خارجه، کارتن ۴۳، پرونده ۱۰، ش ۴۲.
- روزنامه ایران، سال اول، ش ۱۰۵، ۱ شوال، ۱۳۳۵.
- روزنامه ایران، سال دوم، ش ۱۴۵، ۱۲ صفر، ۱۳۳۶، ۲۸ نوامبر، ۱۹۱۷.
- روزنامه ایران، سال اول، شماره ۹۴، ۷ رمضان، ۱۳۳۵، ۲۷ ژوئن، ۱۹۱۷.
- روزنامه ایران، سال دوم، ش ۱۵۶، ۲۰ ربیع الاول، ۱۳۳۶.
- روزنامه کرد، سال اول، ش ۳، ۲۸ ذی‌قعدة، ۱۳۴۰.
- روزنامه ایران، سال اول، ش ۹۳، ۵ رمضان، ۱۳۳۵.
- روزنامه ایران، سال دوم، ش ۱۸۴، ۱۴ جمادی‌الثانی، ۱۳۳۶، ۲۶ مارس، ۱۹۱۸.
- کلید نجات، ۲۴ رمضان، ۱۳۳۵.

منابع لاتین

- Arjomand, Amir, 1988, **The Turban for crown: The Islamic Revolution in Iran**, New York: Axfprd Univ. Press.
- Vali, abbas, **Kurds and the State in Iran: The Making of Kurdish Identity**, London, I.B. Tauris, 2011.

Simko's rebellion over the failed constitutionalism: An explanation (elucidation) on its origins (genesis) and developments

Seyed Hashem Aghajari,¹ Rozgar Barforookht²

Abstract

The available original and Academic literature over the Iranian constitutional revolution is a voluminous multidisciplinary one to which a great deal of historiographical, sociological, etc., texts may attest. Though the Iranian constitution has been considered by the literature, whether entirely or partly, the prime objective of the present article is tracing endeavors of the constitutionalists to set up the modern state and statecraft. Seeking for modern state along the primary constitution 1285-1299 H.S. (1906-1921 A.D) finished in vain. Here surprising was any other outcome, since the constitutionalists failed to organize an independent parliament and governmental body from one hand, and disengage the heart of dissident power, the royal court and armed tribal federations, on the other hand. The failed project of the constitutionalists, building the modern state, led to new tribal centrifugal movements. In such an atmosphere Semko's rebellion took place. His rebellion, irrelevant to the dominant anti or pro constitution environment of the time, theoretically was inspired by ethnic-political aspirations and practically fueled by tribal motivations. The Authors would portray links between defects of an unsuccessful constitutional movement and Semko's rebellion genesis. In order to reach the goal this paper perceived two key hypotheses; firstly, the constitutional projects on nation-state making were undeniably aborted, secondly due upon the abortion Semko's rebellion developed.

Keywords: Constitutional event, nation building project, Simko, Ethnic-political movement

¹h_aghajari@yahoo.com

² rzgar1359@gmail.com